

## از بست‌نشینی در سفارت بریتانیا تا تلگرام

در دوره سلطنت ناصرالدین شاه مکان‌هایی برای بست‌نشینی تعیین شده بود که پس از بازگشت شاه از اروپا، اصلاً بست‌نشینی ممنوع شد. در دوره سلطنت مظفرالدین شاه نارضایتی‌ها سبب شد که مردم در سفارت بریتانیا تحصن کنند و پس از سه هفته مظفرالدین شاه خواسته‌های مردم را با صدور فرمان مشروطیت پذیرفت و بست‌نشینی در سفارت بریتانیا پایان یافت. بیش از یکصد سال از آن روزها می‌گذرد.

بخشی از مردم \_ که تعداد آنها به نظر قابل توجه است \_ نسبت به خواسته دستگاه قضایی تمکین نکرده‌اند و با استفاده از فیلترشکن همچنان یک پیام‌رسان بیگانه (تلگرام) را به یک پیام‌رسان داخلی ترجیح داده‌اند. خواسته دستگاه قضایی خواسته ناهنجاری نیست، صاحبان بیگانه تلگرام به بخش بزرگی از داده‌های مردم کشورمان دسترسی دارند و امنیت داده‌های مردم کشور را به خطر انداخته‌اند. آنها محض رضای خدا کار نمی‌کنند و تضمینی نیست که کلان‌داده‌فروشی نکنند و بخش بزرگی از داده‌های مردم کشور را به شرکت‌های تجاری یا کشورهای مختلف خواهان این داده‌ها نفروشد.

ناصرالدین شاه پس از بازگشت از اروپا بست‌نشینی را ممنوع کرد.

این قاب عکس که در طبقه دوم برج ایفل نصب شده است از معدود عکس‌هایی از سران کشورهای جهان است که در سال ساخته شدن برج (سال ۱۸۸۹) از برج ایفل بازدید کرده‌اند.



ضبط صحبت‌های مردم بدون آگاهی آنها در تلویزیون‌های هوشمند سامسونگ و ارسال به سرورهای سامسونگ در رسانه‌ها جنجال‌آفرین شد. از سخت‌افزارهای دیگر مانند گوشی‌ها نیز نمی‌توان انتظار داشت که از امنیت داده‌ای کاربران محافظت کنند. ما برای راحتی خودمان و برای استفاده رایگان از خدمات مختلف، عبارت I agree را می‌پذیریم و آنها داده‌ها را جمع‌آوری و استفاده می‌کنند؛ البته گاهی ممکن است کاملاً بی‌اجازه ما داده‌ها را جمع‌آوری کنند، حتی شرکت‌های معتبر. در هر حال، فرهنگ‌سازی بسیار مهم است.

فیلتر کردن پیام‌رسان‌ها ظاهراً یک راه‌حل است، اما راه حل خوبی نیست و تجربه نشان داده است که بازار فیلترشکن‌ها را داغ می‌کند. فیلترشکن‌ها در عمل واسطه‌هایی هستند که ناامنی داده‌ای را بیشتر می‌کنند و بخشی از پهنای باند اینترنت کشور را هدر می‌دهند. در ترازوی هزینه-فایده این روش، به جز در مواردی که فیلترسازی آنها عرفاً قابل قبول است، معمولاً کفه هزینه سنگین‌تر از کفه فایده است. به ویژه، در این دوران حساس کشورمان که به بیت به بیت پهنای باند اینترنت‌مان نیاز داریم نباید اجازه دهیم که فیلترشکن‌ها این پهنای باند را هدر بدهند و بدتر از آن، صاحبان آنها نیز بخشی از داده‌های مان را به راحتی به چنگ آورند.

راه‌حل دوم \_ که اگر به خوبی به کار گرفته شود در ترازوی هزینه-فایده کفه فایده آن سنگین‌تر از کفه هزینه باید باشد \_ سودجویی هوشمندانه از شبکه‌های اجتماعی است. گروه‌های کوچک متحد در شبکه‌های اجتماعی نشان داده‌اند که این توان را دارند که گروه‌های بزرگ را با خود همراه کنند. به عنوان مثال، مطابق اطلاعیه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صادفانه تعهدات مان را در برجام به اجرا درآورده‌ایم، اما رئیس‌جمهور آمریکا پیمان‌شکنی کرده است؛ از این پیمان‌شکنی که به تحقیر اتحادیه اروپا نیز انجامیده است سیاست‌مداران کشور می‌توانند به عنوان یک فرصت بهره بگیرند و با همت همه هم‌وطنان از توان شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های مختلف سود بجویند و یک حرکت بزرگ بر ضد پیمان‌شکنی یا حتی تحریم کالاهای آمریکایی را آغاز کنند و از مردم اروپا و سایر نقاط جهان بخواهند که در برابر این پیمان‌شکنی بزرگ بایستند و کالاهای آمریکایی را تحریم کنند. اینترنت آدم‌ها را از ایران به اینترنت آدم‌ها در اروپا، آمریکا، کانادا، و... وصل کنیم. تعداد زیادی از هموطنان ما در کشورهای دیگر جهان زندگی می‌کنند که برای مقابله با تحریم کشورشان، برای صلح جهانی، و برای مقابله با پیمان‌شکنی همراه خواهند شد. مردم اروپا به دلیل تحقیر شدن دولت‌هایشان راحت‌تر به این حرکت خواهند پیوست. حتی در خود آمریکا دموکرات‌ها از این اقدام ترامپ ناراضی‌اند، و...

توانمندی این راه حل چنان است که برای نمونه‌ای که ذکر کردیم (که تشخیص اجرا یا عدم اجرای آن با سیاست‌مداران است) اگر هنرمندانه و منطقی به کار گرفته شود این استعداد و پتانسیل را دارد که بتواند آمریکا را به برجام بازگرداند و یا بدون قید و شرط به پای میز مذاکره بکشد، ضمن آن که برداشتن فیلترها سبب خواهد شد که مردم از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختلفی بهره بگیرند و انحصار تلگرام شکسته شود. شگفت آن است که تاکنون چنین طرحی به اجرا در نیامده است. □

17 big data